

اهداف تربیت

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل فراگیر باید بتواند:

- ۱- مفهوم هدف را در تربیت شرح دهد.
- ۲- ضرورت وجود هدف در زندگی را شرح دهد.
- ۳- ضرورت وجود هدف در تربیت را بیان نماید.
- ۴- اهداف تربیت را طبقه‌بندی نماید.
- ۵- از جوانب اهداف تربیت آگاه باشد و آن را شرح دهد.

۳- اهداف تربیت

در این قسمت از مباحث سعی داریم از سه مسأله مربوط به هدف سخن بگوییم که آگاهی از هر کدام ضرورت‌ترین کار تربیت ماست و آن‌ها عبارتند از: معنی و مفهوم هدف، ضرورت وجود هدف و طبقه‌بندی اهداف تربیت.

۱- معنی و مفهوم هدف

در زندگی روزمره سخن از هدف بسیار است و افراد جامعه آن را برای کار و زندگی، حرکت و تلاش، رفتار و حالات و نیز مواضع خود به کار می‌برند. مثلاً می‌گویند هدف من در انجام فلان کار چنین بود، و یا من درس را با هدف رشد و کمال می‌خوانم، هدف من از فلان اقدام چنین و چنان است و ... و معمولاً این لغت را در مورد مقاصد و آرزوهایی به کار می‌برند که می‌خواهند بدان‌ها برسند. در واقع هدف، مطلوب و خواستی است که آدمی دارد، نقطه‌نهایتی است که تلاش و سرمایه‌گذاری آدمی متوجه آن است و یا هدف آن غایت و نهایتی است که آدمی آن را تصور دارد و در

حرکت خویش آن را در برابر دیدگانش قرار می‌دهد و رفتار و عملش را برای رسیدن به آن منظم می‌نماید. همچنین می‌توان گفت منظور از کلمه هدف وضع مطلوبی است که فردی از روی آگاهی آن را سودمند تشخیص داده و برگزیده است و برای تحقق آن، فعالیت آگاهانه‌ای را انجام می‌دهد. برای هدف تعریف‌های بسیاری را ذکر کرده‌اند که از جمله آن، تعریف ذیل است:

هدف، نقطه، حالت یا موقعیتی است که قصد رسیدن به آن را داریم ولی فعلاً از آن فاصله داریم. و یا هدف عبارت از نقطه مقصودی است که آدمی برای دستیابی به آن کوشش و فعالیت داشته باشد. در این تعریف گفته‌ایم هدف نقطه‌ای است... و غرض این که گاهی آدمی به سویی تیری پرتاب می‌کند و می‌خواهد تیر به نقطه خاصی بخورد. آن نقطه خاص را هدف می‌گویند. و هم گفته‌ایم هدف حالتی است... و غرض این است که گاهی انسان کوشش و تلاشی می‌کند تا مثلاً از حالت غم به شادی، از بیماری به سلامت، از اسارت به آزادی دست یابد. آن حالت شادی، سلامت و یا آزادی را هدف می‌خوانند. بالاخره گفته‌ایم هدف موقعیتی است... و غرض این است که گاهی آدمی تلاشی می‌کند تا از موقعیت ضعف به قدرت، و از موقعیت جهل به علم، و از موقعیت پایین شغلی به موقعیت بالای شغلی دست یابد. موقعیت قدرت، موقعیت علم و موقعیت بالای شغلی را هدف می‌خوانند.

اساس تعقیب هدف دستیابی به یک فایده و سود است که می‌تواند مادی، معنوی، و یا هر دو آنها باشد. و تصور این فایده است که ما را به تلاش و فعالیت می‌کشاند. به عبارت دیگر انگیزه و یا محرکی است به عنوان نقطه وصول که ما را وامی‌دارد تا قدرت و حرکتی از خود بروز دهیم و حتی رنج‌ها و خستگی‌های راه را بپذیریم و خود را به آن نقطه مورد نظر برسانیم. اصولاً تصور نفع، اراده آدمی را برمی‌انگیزاند که آدمی به سوی غایت و غرض و آرمان و مقصودی به راه بیفتد.

بدنیست متذکر شویم بین هدف و استراتژی فرق است. استراتژی عبارت است از مسیر جهت‌داری که طریق رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده را مشخص می‌کند و در واقع به ما نشان می‌دهد که برای رسیدن به هدف باید چه شیوه و چه راه و رسمی را در نظر بگیریم. برای رسیدن به هدف تند باشیم یا کند، آشکارا حرکت کنیم یا پنهان... هم‌چنین بین هدف و طرح نیز فرق است. طرح مجموعه فعالیت‌هایی است که به وسیله آن در یک دوره زمانی معین و معلوم به یک یا چند هدف معین دسترسی پیدا می‌کنیم. مثلاً برای خود طرح‌ریزی می‌کنیم که چگونه فلان نقص درسی را از میان برداریم و یا فلان کار و برنامه معین را ظرف ۳ ماه انجام دهیم. بین هدف و مقصد هم فرق است. مثلاً مسافرتی را انجام می‌دهیم مقصد این مسافرت شهر مکه است و هدف ما زیارت خانه خدا.

هدف‌داری در تربیت این است که والدین یا مربیان، کودک را تحت مراقبت و نظارت خود قرار دهند، برنامه‌های معلوم و از پیش تعیین شده‌ای را درباره او به تدریج پیاده کنند تا او را از جهل

به علم برسانند، و یا او را از ناپختگی در کار و شغل به در آورده و پخته و دانایش سازند. مثلاً او را معلمی آگاه، پزشکی دانا، پدری یا مادری فهمیده و روشن به عمل آورد. چنین اندیشه‌ای در هدف، در همه نظامات تربیتی جهان وجود دارد. همه کشورها، همه جوامع و حتی همه خانواده‌ها برای تربیت نسل هدف‌هایی را معین کرده و سعی در رساندن نسل به آن نقطه، حالت یا موقعیت دارند.

۲- ضرورت هدف

حال می‌خواهیم بگوییم چه ضرورت و یا ضرورت‌هایی برای هدف، وجود دارد. و اصولاً چرا باید برای تربیت نسل، و یا اجرای آموزش و پرورش در جامعه و کشوری اهدافی را معین کرد؟ و در چنان صورت چه فوایدی را می‌توان برای آن ذکر کرد؟ در پاسخ به این سؤالات صاحب‌نظران نکاتی را ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آنها از این قرارند:

۱- آفرینش هدفدار است، آسمان و زمین و آنچه که در بین آنهاست، به فرموده قرآن براساس هدفی خلق شده‌اند، آفرینش انسان نیز هدفدار است و آدمی بیهوده و بازیچه آفریده نشده است. و بدین‌سان همه حالات، حرکات، و مواضع انسان، حتی خورد و خوراک او، خواب و استراحت او، جنگ و صلح او باید هدفدار باشد. و در چنین وضع و صورتی امر تربیت او که امری سرنوشت‌ساز است نمی‌تواند بدون هدف باشد. والدین و مربیان در کار تربیت او باید هدف یا اهدافی را تعقیب کنند. خود آدمی پس از آنکه به مرحله‌ای از رشد و فهم و درک رسید، و توانست از رمز و راز زندگی سردرآورد، خود و محیط خود را بشناسد باید برای خود هدفی را معین کند. او باید بداند چرا زندگی می‌کند؟ چه چیزی باعث کار و تلاش او می‌شود؟ چرا کار می‌کند؟ چرا به دنبال کسب علم است؟ چرا ازدواج می‌کند؟ و ... و برای هر تلاش و عملش باید پاسخ قانع‌کننده‌ای داشته باشد.

۲- وجود هدف برای دستگاه آموزش و پرورش کشور ضروری است تا والدین و مربیان در تربیت نسل بدانند چه باید بکنند، و دست کودک را در دست گرفته و او را به کجا برسانند. اگر آدمی در سیر و حرکت خود نداند به کجا می‌رود، به جایی خواهد رسید که نمی‌داند کجاست. قرآن در تشبیه عمل بدون هدف مشخص و متفکرانه چنین می‌گوید: آن نوعی حرکت کردن در بیابان است که در آن انسانی تشنه در پی آب و به دنبال سراب روان است^۱ که هرچه بیشتر بدود تشنه‌تر و از هدف رسیدن به آب دورتر می‌شود. و یا در تشبیهی دیگر در روایات اسلامی آمده است که چنین فردی که بدون بینش و بصیرت به پیش می‌رود، هرچه تندتر به پیش رود از مقصد دورتر و گمراه‌تر است^۲. و به همین خاطر

است که بعضی از اندیشمندان گفته‌اند کار بی‌هدف چون سخنی بی‌معنی است و یا پوستی بی‌هسته است، و یا چون گردویی پوک و توخالی است.

۳- وجود هدف در تربیت سبب می‌شود که مربی و ادار به تهیه نقشه و برنامه کار باشد وسایل و ابزار آن را برای رسیدن به مقصود از پیش تهیه کند، وقت و زمان خود را برای حرکت و تلاش تنظیم کند. هم‌چنین بداند تا چه حد و به چه میزان در تربیت باید سرمایه‌گذاری کرده و از میزان وقت و سرمایه لازم در این راه آگاه باشد. با این حساب می‌توان نتیجه گرفت که وجود هدف، کار تربیت را قدرت می‌بخشد، پویایی و حرکت انسان را حساب شده ساخته، آدمی را از نوع سرمایه‌گذاری لازم در این راه آگاه می‌سازد. و این جریان ما را در هر لحظه قادر به ارزیابی از میزان پیشرفت و یا عقب‌ماندگی در کار می‌کند.

۴- وجود هدف در تربیت جهت کار را برای کارکنان تربیت اعم از والدین، معلمان و مربیان، مدیران و مسئولان تربیت معین می‌کند، همه آنها به تبعیت از خط واحدی به کار تربیت نسل می‌پردازند. در آن صورت فعالیت‌های خانه و مدرسه مکمل هم و در جهت تقویت هم خواهد بود. در سایه هدف همه دست‌اندرکاران تربیت دارای انگیزه و خطی در تربیت هستند، می‌دانند که می‌خواهند چه کنند. در راه و حرکت‌شان تردید و تضادی نیست. در همه شرایط پیشروی می‌توانند وضع خود و دیگران را ارزیابی و کنترل کنند. و بر این اساس وجود هدف چون چراغی راهنماست. دست‌اندرکاران تربیت را به سوی مقصد هدایت می‌کند و مربی سعی خواهد کرد به جبران کمبود و یا پرکردن خلأیی در تربیت گامی در مسیر تکامل بردارد.

۵- وجود هدف موجودیت و ارزش یک نظام را نشان می‌دهد. بر اثر آن آدمی درمی‌یابد یک نظام چه ارزشی دارد و قداست آن تا چه میزان است. اصولاً وجود اهداف منزلگاه حقیقی تربیت را نشان می‌دهد و خط کلی حرکت را در مسیر پیشروی به سوی مقصود معلوم می‌دارد و هم تفاوت خط فکری یک مکتب را با مکتبی دیگر مشخص می‌سازد. شما با مطالعه اهداف تربیتی اسلام می‌توانید دریابید اسلام چیست و چه می‌گوید. می‌توانید از خط فکری اسلام و از فرهنگ آن تصویری روشن به‌دست آورید.

۶- و بالاخره وجود هدف در واقع تعیین‌کننده سرنوشت حیات و تربیت ماست. معین‌کننده شخصیت و منش نسلی است که ما در پی ساختن و به عمل آوردن آن هستیم و این مسأله‌ای نیست که تنها برای تربیت ما مطرح باشد، بلکه در همه مسائل زندگی و در همه امور برای ما قابل ذکر است. با وجود آن سعی خواهیم داشت موانعی را که در سر راه زندگی ما وجود دارند و جلو پیشروی ما را می‌گیرند از میان برداریم. خط خود و راه و روش خود را جهت‌دار سازیم. فعالیت‌های لازم را برای

وصول به آن مقصد انجام داده و نقشه کار و تلاش خود را همیشه نزد خود تهیه کرده و معلوم کنیم. در تعلیم و تربیت هدف به عنوان محوری است که همه موارد و اصول تربیت بر آن استوار است و تکامل تربیتی در سایه آن حاصل می‌شود. افعالی که آدمی انجام می‌دهد معنی‌دار می‌شود و میزان تلاشی را که باید برای به ثمر رسیدن برنامه‌ای انجام دهد، معلوم می‌شود. این مجموعه ضرورت تربیت است. و اگر تربیت را به عنوان یک علم هم در نظر بگیریم باز ضروری است از هدف و غایتی برخوردار باشد تا معلوم شود افراد مورد تربیت را به چه نقطه‌ای می‌خواهیم برسانیم.

۳- طبقه‌بندی اهداف

امر انتخاب هدف را ضروری دانستیم و نقش آن را روشن کردن راه زندگی و تلاش تربیتی برشمردیم. به گفته عالمی هدف‌ها چون ستارگانند. البته ممکن است کسی به ستاره‌ای دست نیابد، اما دریانوردان آن را راهنمای خود انتخاب کرده و با آن راه خود را می‌یابند. وضع استفاده مریمان از اهداف تربیت برای پرورش نسل نیز همین‌گونه است. اساس بحث هدف‌ها پایداری است که ریشه و منشأ آن را باید در هست‌ها جستجو کرد. وقتی می‌گوییم هدف تربیت، رشد و کمال انسانی است، معنی آن این است که والدین و مریمان با تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود باید کودک را به آن مرحله برسانند. و یا می‌گوییم هدف کسب آگاهی، آموزش حرفه، رشد اخلاق است یعنی غرض ما در تربیت آن است که چنین وضع و شرایط را فراهم کرده و کودک را به آن موقعیت برسانیم.

اهداف تربیت از جهات مختلفی قابل دسته‌بندی هستند مثلاً از دید زندگی شخصی، یا اجتماعی، از دید جزئی یا کلی، از نظر ارزش و اهمیت، از نظر دامنه و کاربرد، از دید غایی یا واسطه‌ای بودن آن و ... که ما به برخی از آنها که آگاهی از آنها بیشتر مورد نیاز ماست در این بحث اشاره می‌کنیم. در واقع بخشی از مباحث ما در تعریف انواع هدف‌هاست و بخشی دیگر در مورد هدف‌هایی که در تربیت نسل و زندگی او باید مورد نظر باشد.

الف - در تعریف هدف‌ها: در این زمینه به تعریف هدف‌هایی می‌پردازیم که مهم‌ترین آنها

عبارتند از:

هدف کلی: شامل آن هدفی است که همه نظامات تربیتی و جوامع مختلف از آن یاد می‌کنند و آن سعادت است. به عبارتی ساده ما نسل را تربیت می‌کنیم تا آنها به سعادت برسند. اما این که سعادت چیست پاسخ‌ها متفاوت است. برخی سعادت را در رشد اقتصادی و تأمین شکم و رفاه زندگی

می‌دانند^۱. گروهی آن را در دستیابی به لذات غریزی می‌شناسند^۲. بعضی سعادت را در رسیدن به قدرت و رهایی از احساس ضعف^۳ و اسلام سعادت را در کمال و رشد همه‌جانبه انسان در جهت لیاقت‌یابی برای رسیدن به مرحله قرب خداوند و عبودیت او می‌شناسد^۴ و این سخن نیاز به توضیحاتی دارد که ما در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

برخی از علمای اسلام سعادت را رسیدن به کمال مقدر خود ذکر کرده‌اند^۵ و یا گفته‌اند سعادت در انسان رسیدن به خیرات جسمانی و روحانی او و متنعم شدن به آن است^۶. علامه طباطبایی (ره) گوید سعادت دنیوی چیزی است که زندگی را گوارا سازد و آن در درجه اول بقا و سپس توانگری و عزت است^۷ و سعادت اخروی در بقایی است که فنا نداشته باشد و در غنایی است که دستخوش فقر نشود و در عزتی است که آمیخته با ذلت نباشد و در دانشی است که آمیخته به جهل نباشد. و بالاخره سعادت انسان از نظر اسلام زمانی تأمین می‌شود که آدمی در سایه تربیت بتواند همه اعمال و رفتار و کردار خود را با برنامه خداوندی تطبیق دهد و همه حب و بغضش در راه رضای الهی و در خط او باشد.

هدف غایی: عبارت است از آخرین نقطه، حالت یا موقعیتی که می‌خواهیم بدان برسیم و آن در واقع آخر خط و منتهای نقطه سیر ماست که به واقع اوج کمال است. در بینش اسلامی الله مرکز و مظهر قدرت، علم و حکمت، عدالت، ادراک و اراده، و دانایی و حیات است. غایت تربیت اتصاف به اسمای حسنیای خداوند و صفات ربوبی است^۸. هدف این است که آدمی در سایه تربیت عبد خدا شود و عبد به کسی می‌گویند که سرپای وجودش متعلق به مولا و صاحب خود باشد که خداوند است. اراده‌اش تابع اراده خدا، خواستش تابع خواست او، حرکاتش براساس فرمان او و جنگ و صلح و محبت و خشمش طبق رضای او باشد و فردی که این چنین باشد به کمال انسانیت دست یافته و به قرب جوار رحمت حق نائل آمده و بهشتی است.

هدف غایی انسان در تربیت، رساندن آدمی به معراج اوست، کشاندن او به مرحله وحی است که عبودیت نام دارد و در آن صورت همه حالات، حرکات و مواضع آدمی براساس امر و نهی اوست، و آدمی دوست می‌دارد برای خدا، دشمن می‌دارد برای خدا، خشم می‌گیرد برای خدا و راضی می‌شود به رضای خدا^۹ و بازگشت او نیز به آغوش رحمت خداست.

۱- مارکسیسم ۲- مکتب فروید ۳- آدلر ۴- آیه ۲۸ ذاریات
 ۵- علم اخلاق اسلامی ج ۱ فصل ۱ ۶- تفسیرالمیزان ج ۲۱ ص ۳۰ ۷- همان ج ۲۹ ص ۱۰
 ۸- ص ۲۵۹ ج ۶ تفسیرالمیزان ۹- فرموده امام صادق (ع)

هدف واسطه‌ای: شامل هدف‌هایی است که از آن به‌عنوان سکوی پرش استفاده شده و در سایه آن مرحله به مرحله به پیش می‌رویم تا به هدف غایی و نهایی برسیم. مثالی را که برای درک و فهم آن می‌توان ذکر کرد به این صورت است:

فرض کنید شما می‌خواهید از میان جوی آبی عبور کرده و به آن سوی جوی برسید. ناگزیر سنگی بزرگ را در جوی می‌اندازید و با حرکتی خود را روی آن سنگ قرار می‌دهید. سنگ دیگری را در فاصله دیگری در جوی می‌اندازید و از این سنگ روی آن سنگ پا می‌گذارید. و به همین ترتیب با قرار دادن چند سنگ در جوی آب، و قدم گذاشتن روی آنها خود را به آن سوی جوی یا ساحل که مقصد نهایی‌تان بود می‌رسانید. این سنگ‌های داخل آب به عنوان هدف‌های واسطه‌ای شما هستند که زمینه را برای وصول شما به ساحل فراهم می‌سازند.

و بر این اساس اگر هدف شما رسیدن به دوره لیسانس یا دکتری باشد، هر کلاس درس برای شما مقدمه و واسطه وصول به آن مرحله خواهد بود. به عبارت دیگر هدف واسطه‌ای، مقدمه و وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف بالاتر و در نهایت هدف غایی و نهایی. همچنین تلاش شما در درس و علم‌آموزی وسیله‌ای است برای رسیدن به رشد و کمال و در نهایت رسیدن به مرحله انسان کامل که عید نام دارد. با این تصویری که ارائه دادیم برای رسیدن به هدف غایی باید مراحل را گام‌به‌گام طی کنیم که رسیدن به هر گام و هر مرحله را هدفی واسطه‌ای می‌خوانند. طبیعی است که آدمی پس از رسیدن به هدف غایی دیگر نیازی به هدف‌های واسطه‌ای نخواهد داشت. آن‌کس که به مرحله دکتری خود رسیده دیگر نیازی به مشق و رونویسی و تمرین جدول ضرب دوره ابتدایی نخواهد داشت.

هدف‌های رفتاری: هدف‌های رفتاری شامل آن انتظارات و توقعاتی است که آدمی پس از فراگیری مطلبی و مسأله‌ای از خود باید بروز دهد. فرض کنیم که ما در کلاس درس فیزیک، طرز ساختن یک رادیو را به دانش‌آموزان می‌آموزیم. هدف رفتاری ما در این درس آن است که دانش‌آموز پس از خواندن و فهمیدن درس بتواند یک رادیو بسازد. هدف رفتاری ما در درس اخلاق این است که شاگرد پس از فراگیری این درس اخلاق و رفتار مورد نظر را از خود بروز دهد و به همین گونه است هدف‌های رفتاری در دروس دیگر.

معمولاً تهیه‌کنندگان کتب درسی و یا معلمان یک درس در تألیف کتب و یا تدریس یک موضوع هدف یا اهداف رفتاری خاصی را تعقیب می‌کنند. و راه و رسم ارزیابی آنها از تأثیر این کتاب و یا تدریس این درس آن است که ببینند آیا دانش‌آموزان به آن هدف‌ها رسیده‌اند یا نه؟ اگر تدریس و آموزش ما سبب آن نشود که در رفتار شاگرد تغییری حاصل شود، و او پس از فراگیری به همان گونه‌ای باشد که قبل از فراگیری بوده، در آن صورت می‌گوییم ما به هدف رفتاری دست نیافته‌ایم. یا در روش

درس و بحث ما اشکال وجود داشته است و یا دانش‌آموزان در آن مرحله از رشد و کفایت نبوده‌اند که از این درس برداشت لازم را بنمایند.

هدف‌های رفتاری، در حالات، حرکات و مواضع آدمی قابل مشاهده و بررسی است. درخور دیدن، شنیدن، لمس کردن و اندازه‌گیری است. گاهی هدف‌ها غیر رفتاری هستند یعنی فقط به دانستن، حفظ کردن و در ذهن داشتن ختم می‌شوند نه به صورت عمل و ابراز در حالات و رفتار. مثل کسی که درس اخلاق را از دیگران شنیده و آن را نیکو حفظ کرده و می‌تواند راجع به آن سخنرانی کند ولی در جنبه عمل به‌گونه‌ای دیگر است و یا آن‌کس که در مورد زیان‌های سیگار زیاد می‌داند و سخن می‌گوید ولی در ضمن سخنرانی و یا پس از آن خود سیگار می‌کشد. این‌گونه افراد عالم بی‌عملند و اسلام آنان را به درختی بی‌میوه شبیه کرده است: **اَلْعَالَمِ بِلَا عَمَلٍ، كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ.**

پرسش‌ها

- ۱- معنی و مفهوم هدف را بیان کنید.
- ۲- بین هدف و استراتژی، هدف و طرح، هدف و مقصد چه فرقی است؟ شرح دهید.
- ۳- چه ضرورت‌هایی برای وجود هدف در تربیت است؟ شرح دهید.
- ۴- چرا دستگاه آموزش و پرورش کشور باید هدف داشته باشد؟ بیان کنید.
- ۵- وجود هدف برای مربی و کارکنان تربیت چه ضرورتی دارد؟ توضیح دهید.
- ۶- «اساس هدف‌ها باید‌هاست و ریشه آن را در هست‌ها باید جستجو کرد». یعنی چه؟
- ۷- هدف کلی چیست؟ آن را شرح دهید.
- ۸- هدف غایی چیست؟ آن را بیان کنید.
- ۹- هدف واسطه‌ای چیست؟ آن را شرح دهید.
- ۱۰- هدف رفتاری چیست؟ آن را توضیح دهید.

ب- اهداف در رابطه با زندگی: این اهداف که گاهی در تربیت از آن به عنوان اهداف

تفصیلی یاد می‌شود، شامل هدف‌ها و مقاصدی هستند که مربی برای ساختن و به‌عمل آوردن شاگردان و آماده کردن آنها برای ورود به دنیای زندگی به آنها توجه می‌کند. واقعیت این است که آدمی در عرصه حیات از یک سو باید متوجه خود و ابعاد وجودی خود باشد و رابطه اندیشیده‌ای را درباره خود تنظیم

کند و از سوی دیگر او ناگزیر به داشتن رابطه با جامعه و مردم است و قطعاً برای داشتن یک ارتباط سالم و معقول با جامعه باید آمادگی پیدا کند. او هم چنان در آینده‌ای نه چندان دور یک انسان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و الهی است. برای وصول به مقاصد و اغراض فوق باید آمادگی‌های لازم را به دست آورد و دستگاه تربیت مسوول تنظیم این روابط و جهت‌دهی فرد به سوی این مقاصد است.

اگر بنای دسته‌بندی اهداف و مقاصد تربیت بر اساس موارد فوق باشد، ما ناگزیر باید به شش دسته از اهداف اشاره کنیم که شامل اهداف و مقاصد شخصی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و معنوی است و طبعاً در مورد انتخاب این اهداف نیز باید نکات مهم و درخور اعتنایی عرضه شوند. ما در این بخش از کتاب با رعایت اختصار به بررسی موارد فوق می‌پردازیم.

۱- اهداف شخصی: غرض از آن اهدافی است که به شخصیت فردی انسان و ابعاد وجودی او مربوط می‌شوند و این امر در عین این که بی‌ارتباط با جمع و جامعه نیست، دارای جنبه فردی است. می‌دانیم که بخشی از تربیت ما و مریمان ما متوجه وجود خود ماست جسم و جان ما امانت خداوندی در دست ما و دیگران است و ما نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌اعتنا باشیم. این امانت را باید رشد و پرورش داد، و در خط و برنامه‌ای که خداوند آن را برای ما معین کرده مورد استفاده قرار داد. اما در جهت رشد و پرورش آن اهداف و مقاصدی است که بخشی از آن‌ها به قرار زیر است:

- در جنبه زیستی و بدن: والدین و مریمان باید فرد را در موارد زیر راهنما و رهبر باشند.
- شناخت بدن و ابعاد وجودی و وظایف اعضاء و رمز و راز آفرینش آنها.
- تأمین سلامت بدن و حفظ و صیانت آن از خطرات و عوارض گوناگون.
- رشد و تقویت بدن که اسلام خواستار نیرومندی و توانایی مؤمن است.
- بهداشت بدن و ایجاد عادات بهداشتی و ایمنی در زندگی شخصی.
- تربیت اعضاء به گونه‌ای که هر عضوی کار و وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد.
- زیاد کردن مقاومت در بدن از طریق تمرین‌ها در گرسنگی و تشنگی (مثل روزه).
- تعدیل غرایز و مراقبت‌ها در پیش‌رسی و دیررسی، و جلوگیری از بیداری نابهنگام آنها.
- دور نگه داشتن بدن از آفات، آسیب‌ها، خطرات، نقص عضوها، لطمه‌ها.
- درمان بیماری‌ها، و عوارض نگران‌کننده، رفع نقایص و عیوب از بدن در حدود امکان.
- حفظ زیبایی بدن و توجه به ظرافت آن در عین استحکام و مقاومت بدن و اعضاء.
- ورزیدگی اعضای بدن به گونه‌ای که هر عضو کار خود را تند و سریع و بی‌عیب انجام دهد.
- در جنبه ذهن: ذهن آدمی همانند مخزنی از آگاهی‌ها و اطلاعات است که آن آگاهی‌ها در آنجا

جمع، دسته‌بندی، تحلیل و جایگزین می‌شود و هر آنگاه که ما به آگاهی و اطلاعی نیاز داشته باشیم، فوراً آن را از انبار ذهن به‌در آورده و مورد استفاده قرار می‌دهیم. به‌خاطر اهمیت ذهن و نقش آن در حیات آدمی است که بخشی از اهداف تربیت ما متوجه آن است. آنچه در این زمینه باید مورد رعایت و مدنظر قرار گیرند، عبارتند از:

- پرورش هوش و سعی در رشد و تقویت آن و پرهیز از سقوط و افت آن.
- پرورش کنجکاوی و جهت‌دهی آن به سوی مقاصد مفید و ارزنده.
- تربیت چراجویی و استدلال برای کشف معماها و حل مسائل و دشواری‌ها.
- رشد و پرورش و تقویت فکر برای حل مسائل و رفع دشواری‌ها و موانع آن.
- ایجاد زمینه برای شکوفایی و رشد استعدادها و جهت‌دهی آن به سوی خیر و صلاح کودک.
- پرورش خلاقیت و ابتکار برای نوآوری‌ها در عرصه حیات و آسان کردن زندگی.
- پر بار کردن ذهن از طریق کسب اطلاعات مفید و مؤثر برای زندگی فردی و جمعی.
- رشد و پرورش عقل و جهت‌دهی آن به سوی خیر و مصلحت و شرافت و رساندن آدمی به کمال.

- پرورش تخیل و تصور در جهت آماده‌سازی برای ابداع و اختراع، و ...

- زمینه‌سازی برای استنباط و تحلیل مسائل در جهت دستیابی به حقایق.

در جنبه عواطف: بخشی از اهداف و مقاصد تربیت متوجه پرورش عواطف است. عواطف شامل جنبه‌هایی از احساس هستند که در برخورد انسان با پدیده‌ها یا شرایطی خاص به‌وجود می‌آیند و حاصل این برخوردها لذت است یا آلم، پذیرش است یا نفرت، شادی و سرور است یا غم. هدف تربیت عواطف، جهت‌دادن به عواطف و تعدیل آن است.

- هدف داشتن ترس معقول است نه موهوم. او باید بترسد ولی از آنچه که به‌واقع باید ترسید مثلاً ترس از گرگ ترسی معقول است ولی ترس از سایه و تاریکی ترسی موهوم است. ترس از قانون حق و عدل در حین گناه ترسی معقول است ولی ترس از یک سوسک و پشه موهوم است.

هدف، کنترل خشم و تعدیل آن است خشم باید باشد ولی علیه دشمن نه دوست، و باید تعدیل شده باشد یعنی به‌گونه‌ای که به خود و دیگران در حین خشم آزار نرساند و از مرز انسانیت و اخلاق بیرون نرود. هدف، دوستی است با آنها که ما وظیفه داریم آنها را دوست بداریم مثل پدر، مادر، مؤمنان و هم‌کیشان و براءت و اعلام تنفر است با آنها که در خط کفر و ایجاد زحمت برای مسلمانانند و علیه ما شرافرینی‌هایی دارند، مثل مشرکان، مستکبران، جنگ‌افروزان و ...

- هدف کنترل عواطف و ابراز آن‌ها به صورت مطلوب و شرعی است، شادابی و نشاط در کار

و انجام وظیفه است، ابراز محبت در جای خود، اعلام تعجب و شگفتی در برابر آیات خدا برای درس‌آموزی از آثار صنع خدا و سردرآوردن از حقایق آفرینش و کنه اسرار خلقت.

در جنبه روان: اهداف تربیت هم‌چنین باید متوجه جنبه روح و روان باشد و در این راه هدف آزادمنشی، حقیقت‌جویی، استقلال‌خواهی، زیبادوستی، بیدارداری فطرت و وجدان، رشد و تقویت فهم و ادراک و نیز قدرت اراده است، که اراده عامل تحقق همه آرزوها و خواسته‌های بشری است.

هدف در جنبه روانی، شکوفایی شخصیت و رشد استقلال‌خواهی اوست. پرورش اندیشه‌های عالی در انسان یک هدف است مثل داشتن نیت‌های بزرگ، همت‌های بلند، نظرهای عالی در زندگی و بیرون آمدن از افکار و اندیشه‌های پست و کوتاه‌نظرانه. هم‌چنین مقصد ما این است که افرادی بی‌روانیم که آزادمنش و دارای عزت نفس و اعتماد به نفس باشند. شأن و مقام خود را پست و کوچک نینند. بهای وجودی خود را به فرموده قرآن بهشت شناسند^۱ و خود را با گناهان و انحراف‌ها، بوج و بی‌بها نسازند. علی (ع) فرمود: آگاه باشید، بهای وجود تو بهشت است خود را به بهایی اندک مفروش^۲.

هدف تقویت روحیه به‌گونه‌ای است که در برابر دشواری‌ها و مصائب خود را نبازد و در طریق اثبات رأی و نظر حق خود استقامت ورزد و مطمئن باشد که در آن صورت عنایت خداوندی متوجه او خواهد شد^۳. بهداشت روانی و رهایی از ناامنی‌ها و تزلزل‌ها و برکناری از عوامل آسیب‌آفرین برای روح و روان هدفی دیگر است. مقصد ما این است که نسل را به‌گونه‌ای بارآوریم که حق دوست باشند، آزاده و حرّ باشند، از پیروزی حق در یک درگیری و نزاع شادمان گردند و از وجود نابسامانی و ذلت و اسارت برای خود و جامعه ناراحت و پریشان، و درصدد ریشه‌کن‌سازی آن باشند.

۲- اهداف اجتماعی: غرض ما از اهداف اجتماعی شامل مقاصد و اهدافی است که در آن روابط جمعی و انسانی و ارتباط آدمی با گروه مطرح باشد. در اسلام، ما در رابطه با دیگران مسؤولیت‌ها و تکالیفی داریم که سعی در تحقق آن، به عنوان هدف‌های تربیت مطرح است. در این عرصه لازم است موارد بسیاری ذکر شود که ما با رعایت اختصار به بررسی آنها می‌پردازیم.

زندگی در جمع: از اهداف تربیت در اسلام آماده کردن فرد برای زندگی در میان جمع است. اسلام اجازه نداده است که آدمی به‌گونه‌ای تنها و دور از مردم، در گوشه‌ای و یا در غاری زندگی کند،

اگرچه قصد او عبادت خدا باشد. ما وظیفه داریم در میان جمع و مردم باشیم، رهبانیت و کناره‌گیری از مردم، ولگردی و بی‌سامانی، هرروز و هر وقت، در گوشه‌ای و جایی زندگی کردن، و به اصطلاح خانه به دوش بودن در اسلام مجاز نیست^۱. دوری از جمع و جامعه نوعی فرار از مسؤولیت است. ما وظیفه داریم که با حفظ شرف و عفت و تقوا در جامعه باشیم و با همکاری و همراهی با مردم، جامعه‌ای آزاد و آباد، و اسلامی و انسانی بسازیم و این یک هدف و در عین حال یک مسؤولیت و وظیفه است. هدف پرورش روح اجتماعی زیستن در افراد، درک مسؤولیت اجتماعی، مشارکت در ساختن جامعه‌ای انسانی، احساس وظیفه نسبت به جمع و جامعه، رعایت حرمت دیگران، انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی در مسیر خیر و صلاح، پای بندی به هنجارهای اجتماعی، تقویت روح همکاری، احترام به بزرگتران، رعایت حال کوچکتران و ... است و اسلام درباره هر یک از موارد فوق دستورها و توصیه‌هایی بسیار دارد. کتب اسلامی ما از این‌گونه خیراندیشی‌ها پر است.

در خانواده: بخشی از اهداف تربیت در رابطه با خانواده است. و در این زمینه هدف ما مقدس دانستن کانون خانواده، و توجه به تشکیل آن به عنوان یک تکلیف شرعی و اجتماعی با حفظ اصول و ضوابط اسلامی آن است. در تشکیل آن، هدف ما پاسخ به ندای غریزه، پاسخ به دعوت سنت اسلامی است که رسول خدا (ص) فرمود: ازدواج سنت من است و آن کس که از این سنت روی برگرداند از من نیست^۲. و نیز در هدف تشکیل خانواده حفظ وجود از آسیب‌ها و خطرات، حفظ شرافت و عفت خود، دستیابی به مودت و سکون^۳، تولید نسل و دوام و بقای بشریت مطرح و مورد نظر است. از اهداف خانوادگی پاسداری از قداست‌ها، تحکیم خانواده، پرورش روح نظم و انضباط در اعضای خانه، همکاری و همگامی برای سامان‌داری خانواده، رعایت حرمت یکدیگر در خانه، تلقی اعضای خانواده از یکدیگر به عنوان امانت خداوندی، داشتن تفاهم و انس با اعضا، محرم راز هم بودن، رعایت حقوق یکدیگر، رعایت حدود و مرزها در روابط، تقسیم وظایف و مسؤولیت‌ها در محیط خانه، ایجاد زمینه برای رشد و ارتقای اعضای خانواده، وحدت در فکر و تلاش در جهت رسیدن به همدلی و هم‌رایی و ... است.

در جنبه اخلاق: یکی از اهداف تربیت، تحقق اخلاق اسلامی است، یعنی همان مسأله‌ای که نبی‌گرامی اسلام آن را رمز و راز بعثت خود قرار داد و فرمود: من مبعوث شده‌ام تا مکرمت‌های اخلاقی و آنچه که آدمی را بزرگ و گرانقدر می‌کند به اتمام و تکمیل برسانم^۴. اخلاق مایه امتیاز و

۱- لا رهبانیه فی الاسلام و لا سیاحه و لا زَم.

۲- حدیث نبوی

۴- و انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

۳- آیه ۲۸ روم

برتری انسان بر حیوان است. سبب تنظیم روابط انسانی و رشد و پیشرفت فرد و جامعه است. قومی که فاقد اخلاق باشد مردنی است و تجربه تاریخ این ادعا را به ثبوت رسانده است و اصرار اسلام در تربیت اخلاقی انسان‌ها، خود حکایت از این اهمیت دارد.

هدف در اخلاق، آراستن آدمی به کمالات و فضایل اخلاقی است مثل عفو، صلح و صفا، صداقت و امانت، خدمت‌رسانی و ایثار، خیرخواهی نسبت به هموعان، حمایت از مظلوم، خصومت با ظالم، دعوت به خیر، توصیه به صبر، زشت و مردود دانستن تجاوز، تقویت انس و برادری با مؤمنان، رعایت انصاف در برخوردها و روابط، تقویت روح انسان‌دوستی، رعایت حرمت آنها، و برانگیختن عزت‌نفس در افراد است^۱.

همچنین هدف از اخلاق تقویت روحیه گذشت و فداکاری در روابط اجتماعی، پرورش سعه‌صدر و تحمل آراء و نظرات دیگران، پرورش روح مسؤولیت‌پذیری در جمع و جامعه، تقویت روحیه پاسداری از قداست‌ها، دست‌گیری از افتادگان و مستمندان، پرورش اندیشه امانت‌داری، وفای به عهد، صبور و مقاوم بودن، داشتن جرأت و شجاعت، روح قناعت، برخورد خوش با دیگران، داشتن حالت تبسم و لبخند در مواجه شدن با دیگران، حرمت‌داری از مهمان و ... است.

در جنبه حقوق: انسان‌ها در روابط خود با دیگران دارای نوعی رابطه بده و بستان هستند. هر انسانی در جامعه طلب‌هایی از دیگران دارد که آنان باید آن‌ها را مراعات کنند. و خود نیز در قبال آنان بدهی‌هایی دارد که باید در ادای آنها بکوشد. دامنه این حقوق از نظر اسلام وسیع و شامل حقوق خانواده از زن و شوهر و فرزندان و والدین، حقوق متقابل معلم و شاگرد، حقوق مردم جامعه، حقوق کارگر و کارفرما، حقوق رهبر و ملت، حقوق خویشاوندان و ارحام، حقوق همسایه، حقوق مسلمین، حقوق اهل کتاب، حقوق اقلیت‌ها، حقوق اسرا و ... است.

هدف تربیت در این جنبه اولاً آشنایی با حقوق است، ثانیاً ادای حقوق، و ثالثاً پاسداری و دفاع از حقوق است. والدین و مریمان باید کودکان را به گونه‌ای تربیت کنند که آنان به حقوق دیگران احترام گذاشته و آن را رعایت کنند. طبیعی است که در بین حقوق مختلف برخی از آنها بر برخی دیگر برتری دارند مثلاً حق خدا بر دیگر حقوق برتر است، و هم حق دین و احکام قرآن او، و حق عترت و اهل بیت که مورد سفارش اسلام است. و آنگاه حق پدر و مادر بر حقوق دیگر اولویت دارد که خداوند نام آنها را پس از نام خود ذکر کرده است و به همین ترتیب حق اعضای خانواده بر حق همسایه و مردم اولی است و

۱- برای هریک از عبارات فوق آیات قرآن و روایات بسیاری وجود دارد.

دیگر اهداف اجتماعی: اهداف اجتماعی دیگر عبارتند از شناخت هنجارهای اجتماعی، ارزیابی آنها براساس ضوابط اسلام، اصلاح و توسعه آنها، پای بندی و رعایت آنها، تزکیه و تهذیب نفس، رشد فضایل و مکارم اخلاقی در خود و دیگران، پرورش روح تعهد و مسؤولیت در برابر جمع، پرورش عواطف انسانی به منظور همزیستی مسالمت آمیز، پرورش روح مقاومت در برابر تبلیغات سوء، ایجاد روح سازگاری اندیشیده با جمع، ارتباط اندیشیده با خلق خدا بر اساس تولی و تبری، آگاهی از وظایف اجتماعی و سعی در انجام و رعایت آنها و

۳- اهداف فرهنگی: اگر فرهنگ را مجموعه علوم و افکار و فلسفه‌ها، ادبیات، آداب و سنن، شعائر و مناسک، هنر و ارزش‌ها، ابداعات و اختراعات و ... بدانیم باید بگوییم که بخش مهمی از اهداف تربیت هدفهای فرهنگی است. فرهنگ عامل انس و قوام جامعه و سببی برای آشنایی‌ها و الفت‌هاست. مهم‌ترین اهدافی که در این عرصه قابل ذکر و بررسی هستند عبارتند از:

هدف علمی و تحقیقی: و در این عرصه آنچه برای ما مهم است عبارتند از:

— پرورش روحیه تعلیم و تعلم در افراد آنچنان که همیشه در پی کسب علم و افزایش دانش خویش بوده و سعی کند دیگران را نیز به این کار وادارد. روح بررسی، کنجکاوی و تحقیق را در افراد زنده نگهداشته و سعی در کشف و ابداع و اختراع داشته باشد. کنجکاوی فرد نسبت به محیط طبیعی و اجتماعی توسعه یافته و بتواند اطلاعات و مهارت‌های سودمندی را برای زندگی به دست آورد. علاقه‌مندی به خواندن، مطالعه کردن، و فهمیدن، و افزایش آگاهی را در او پرورانده و او را به شکار و کسب اطلاعات تازه وادارد. و در نتیجه بتواند رموز خلقت را دریافته و به مبدأ آن توجه نماید. از اسرار جهان آفرینش به تناسب درک و فهم خود سر درآورده و قوانین طبیعت را به عنوان آیات الهی بشناسد.

هدف در زبان و ادبیات: هدف تربیت آشنا کردن نسل به زبان و ادبیات و خط فارسی است که همه میراث‌های علمی، انسانی و اخلاقی ما با محمل زبان فارسی قابل تشریح و بیان و فهم است آگاهی نسبی از زبان عربی که دارای رسم الخط مشترک با زبان فارسی، و واژه‌ها و الفاظ آن آمیخته با این زبان است امری ضروری خواهد بود. هم‌چنین آموختن زبان فارسی در جهت تفهیم و تفاهم‌ها و بهره‌گیری از میراث غنی فرهنگی آن مورد سفارش است و آموختن زبان عربی برای آشنایی با قرآن و سنت و معارف اسلامی سفارش شده است. و شما می‌دانید که میراث غنی اسلام، کتاب مقدس قرآن، بسیاری از مفاهیم اسلامی، همه روایات و احادیث ما به زبان عربی است و بدون آگاهی از این زبان کمتر می‌توان از آن بهره جست.

هدف این است که نسل جدید قادر به درک و دریافت اثر، نظم، متون و اشعار زبان فارسی

باشد، از استعارات و کنایات، از ضرب‌المثل‌های آن سر درآورد و در عرصه کاربرد زبان قادر به استفاده بجا و مناسب از آن باشد. هم‌چنین هدف این است که او بتواند افکار و نظرات خود را به زبان فارسی به گونه‌ای آسان و سلیس و روان به نگارش درآورد و در نهایت از ادب فارسی به عنوان مظهر وحدت ملی و در نقشه‌ای فراتر از وحدت اندیشه‌ای فارسی زبانهای جهان که در جای‌جای این قاره بزرگ زندگی می‌کنند، استفاده برد و می‌دانیم که جامعه‌شناسان زبان واحد را عامل وحدت به حساب می‌آورند.

هدف در آداب و رسوم: رسم یک عملکرد قدیمی است که در روزگاران گذشته به خاطر احساس منافعی در بین جمعی وجود داشته و در عصر ما نیز ادامه دارد. و آداب عبارت از رسم‌هایی هستند که به خاطر خوشامد مردم صورت می‌گیرند. مردم هر جامعه دارای آداب و رسوم می‌باشند که برایشان لذت‌بخش و خوشایند است و در روابط اجتماعی از آن استفاده می‌کنند.

هدف واداشتن عملی افراد است به ارزیابی از آداب و رسوم، و قبول جنبه‌های اسلامی آن و رعایت احترام به آنها. پذیرش سنن اسلامی چون سنت شرعی قربان، سنت حج، سنت نماز فطر و ... و نیز سنت‌های ملی که مورد تأیید شرعند مثل سنت پاکیزه نگه داشتن جریان آب، سنت درختکاری، سنت حفظ گیاه و سبزه و محیط و ...

هدف تربیت در بعد فرهنگی رعایت شعائر مذهبی است مثل عزاداری‌های مذهبی، جشن‌های مذهبی، بزرگداشت قرآن و رعایت حرمت آن، و هدف آگاهی از مناسک و رعایت آنهاست و غرض از مناسک دستورالعمل اجرای یک سنت یا شعائر است. و برای دستیابی به آن شناخت آداب و رسوم، شعائر و مناسک و سنت‌های اسلامی ضروری است. و احتراز از آداب و رسوم منحط کفر و الحاد هدفی دیگر برای تربیت انسان‌هاست. یعنی نسل‌مان را به گونه‌ای روشن و مستدل از فرهنگ شرک و ماده‌پرستی، و مقاصد پست دور و برکنار می‌داریم.

هدف هنری: شناخت زیبایی‌های جهان آفرینش و مخصوصاً شگفتی‌های آن به عنوان مظاهر جمال الهی از اهداف تربیتی اسلام و استفاده از آنها برای هدایت و تلطیف ذوق‌ها و استعدادها و زیبا کردن زندگی، هدفی دیگر است. هدف شناخت هنر از دیدگاه اسلام و استفاده از آن، برای زیباسازی مناسبات زندگی انسانی و حفظ صفای باطن و جلای روان است و هنر اسلامی چنین مقصد و رسالتی دارد.

غنی‌سازی هنر و ارتقای سطح آن، و ارزیابی و نقد هنر موجود، و تلاش در اسلامی کردن آن و آراستن حیات فرد و اجتماع با مظاهر آن از دیگر اهداف هنری است و مبارزه و تلاش برای ریشه‌کن‌سازی هنر کفر و شرک و الحاد، و هنرهای تخدیری و هنرهای آلوده‌کننده و ویرانگر هدفی

اسلامی در تربیت فرهنگی است. اسلام می‌خواهد روح آدمی در سایه هنر جلا یابد و در او تحرکی پدید آورد که از جای برخیزد و علیه همه آلودگی‌ها، انحراف‌ها و پستی‌ها بایستد نه آنکه خود همدم رذالت‌ها شود.

شناخت هنر ملی و تاریخی و پرورش روحیه اقتباس بجا و مناسب از هنرهای جهانی و آنچه که به عنوان جلوه‌گاه ذوق فطری باشد، در هدف تربیت ما می‌گنجد و ایجاد زمینه برای شکوفایی و رشد استعدادهای هنری و جهت دادن افراد بر شناخت و کشف نقطه‌های مثبت و درخشان هنرهای بومی و منطقه‌ای از اهداف دیگر ما در عرصه هنر است و در همه حال برای هنر اصل بر بیدارسازی و هشداردهی انسان در جهت انجام وظیفه و مسؤلیت الهی است نه تخدیر و نه غفلت انسان.

هدف در جهان‌شناسی: از اهداف مهم تربیت ایجاد جهان‌بینی در افراد و بیرون آوردن فرد از مرحله جهان احساسی و کشاندن او به عرصه جهان‌شناسی است. در جهان احساسی افراد نسبت به پدیده‌های جهان رابطه و برخوردی سرسری و سطحی دارند که نمونه آن در عالم حیوانات هم به چشم می‌خورد. در جهان‌شناسی سعی به درک روابط علت و معلولی، کشف جهان، شناخت رمز و راز پدیده‌ها و طرز کار آفرینش است و چنین شناختی است که آدمی را به جهان‌بینی می‌کشانند، یعنی داشتن دیدی کلی نسبت به جهان.

هدف ما علاقه‌مندی و فراهم کردن زمینه برای جهان‌شناسی است. آموختن راه و رسم مشاهده محیط پیرامون خود، دقت و کنجکاوای و به‌کارگیری چراجویی‌ها در این عرصه و سردرآوردن از اهمیت آفرینش، و رمز و راز آن، و آشنایی تدریجی به رموز خلقت، و بالا بردن آگاهی در مورد مسائل زیست‌محیطی است.

هدف توان بهره‌گیری مناسب از طبیعت، کشف طبیعت، و استخراج مناسب از طبیعت، پربار کردن طبیعت، حفظ منابع طبیعی، و صیانت از طبیعت برای بهره‌گیری نسل‌های آینده است. و از دیگر اهداف فرهنگی، شناخت ارزش‌های اسلامی، توجه به ارزش‌های رشددهنده، و احتراز از ارزش‌های منفی، رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها به منظور ابداع و اختراع و توجه به جنبه‌هایی از فرهنگ است که موجبات کمال و وصول آدمی را به مقام قرب و بندگی خالص خداوند فراهم آورد. در نتیجه کلی آنچه مهم است دادن دید و بینش به افراد است به گونه‌ای که او قادر به شناخت فرهنگ براساس ملاک‌های علمی باشد و بتواند آن را براساس دید و بینش اسلامی ارزیابی کرده و نیک و بد آن را بشناسد و آنگاه جنبه‌های مثبت آن را دریابد و مورد رعایت و عمل قرار دهد.

- ۱- اهداف در رابطه با زندگی کدامند؟ شرح دهید.
- ۲- اهداف شخصی کدامند؟ دو مورد آن را شرح دهید.
- ۳- هدف‌های زیستی کدامند؟ چهار نمونه آن را بیان کنید.
- ۴- هدف‌ها در مورد پرورش ذهن کدامند؟ چهار نمونه آن را شرح دهید.
- ۵- هدف‌ها در رابطه با عواطف آدمی کدامند؟ چهار مورد را شرح دهید.
- ۶- هدف‌ها در جنبه روان کدامند؟ چهار مورد را شرح دهید.
- ۷- اسلام در رابطه با زندگی چه نظری دارد؟ زندگی باید در تنهایی باشد یا در جمع؟ بیان کنید.
- ۸- اهداف تربیت در رابطه با خانواده کدامند؟ بیان کنید.
- ۹- هدف‌های تربیت را در رابطه با اخلاق شرح دهید.
- ۱۰- اهداف تربیت را در جنبه حقوق بیان کنید.
- ۱۱- هدف علمی و تحقیقی چیست؟ شرح دهید.
- ۱۲- هدف در زبان و ادبیات چیست؟ بیان کنید.
- ۱۳- هدف در آداب و رسوم چیست؟ شرح دهید.
- ۱۴- هدف هنری چیست؟ شرح دهید.
- ۱۵- هدف در جهان‌شناسی چیست؟ بیان کنید.

۴- اهداف سیاسی: اگر سیاست را عبارت از علم بررسی روابط متقابل مردم با هیأت زمامدار بدانیم، ناگزیر مباحثی در آن مطرح است که شامل موضوع حکومت، قانون، قانونگذاری، آزادی، استقلال، بحث احزاب و گروه‌ها، اجرائیات و اداره امور، روابط ملی و بین‌المللی جنگ و صلح خواهد بود و طبعاً در مورد هر کدام از موارد فوق اهداف و مقاصدی دارد که ما با رعایت اختصار به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

هدف در آگاهی سیاسی: هدف ارتقای بینش سیاسی افراد در عرصه حکومت و نوع آن و آگاهی از کیفیت و اهمیت قانون و مشروعیت آن و تابعیت یا متبوعیت انسان در کشور، توجه دادن به حکومت صالح، اجرای قوانین حق و عدل، آگاهی از جریانات حاکم بر کشور، وضعیت و موقعیت کشور و جنبه‌های سوق‌الجیشی آن است.

این مهم است که افراد یک کشور از شرایط سیاسی آن، از وقایع و اتفاقاتی که در جامعه وجود

دارد از سیستم حکومت و از مشروعیت آن سردرآوردند و بدانند در چه جامعه‌ای زندگی می‌کنند و چه خطوطی در آن حاکم است. در شرایط ضروری به تقویت حکومت بپردازند. و در صورت عدم مشروعیت و طاغوت بودن حکومت در سقوط آن همت کنند.

در جنبه قانون و استقلال: هدف پرورش روحیه قانون‌پذیری و احترام به قانون حق و مشروع و التزام به رعایت آن است. هدف گسترش روحیه ضابطه‌داری و نظم و رعایت انضباط در عرصه سیاسی است.

پرورش روح پاسداری از قانون به حق، رعایت مشروعیت آن براساس اصل ولایت فقیه، پاسداری از استقلال همه‌جانبه کشور و پرهیز از وابستگی به شرق یا غرب و یا هر دستگاه سلطه‌کفری. و نفی همه ستمگری‌ها و ستمکشی‌ها، و سلطه‌گری‌ها و سلطه‌پذیری‌ها از دیگر اهداف سیاسی در تربیت اسلامی است.

هدف دیگر خواستاری و رعایت آزادی و پاسداری از آن است. به شرطی که آن آزادی مشروع و مقید باشد. و در شیار قانون حق جاگیرد. پرهیز از خفقان و مبارزه با جوّ اختناق و ایستادگی در برابر آن هدفی دیگر است هم‌چنان که با آزادی بی‌بند و بار در جامعه مبارزه می‌شود.

در پاسداری از مرزها: هدف پرورش روح سلحشوری و سربازی در نسل به منظور حفظ و صیانت از سرزمین و مرزهای اسلامی است. و در این عرصه تقویت بنیه دفاعی کشور، ایجاد آمادگی دفاع نظامی در افراد و تهیه قوای لازم براساس ضرورت‌های روز و حتی به نمایش گذاشتن آن به‌خاطر ایجاد رعب در دیدگان دشمن و واهمه‌داری آنان از اندیشه حمله و دستبرد به جامعه اسلامی و منابع و منافع آن است^۱.

همچنین هدف رشد و تقویت روحیه جهاد و ایثار و شهادت، توسعه اندیشه فداکاری و روحیه شجاعت و شهامت در افراد و مبارزه بی‌امان علیه خصم و رغبت به اعتلای نام خدا و حفظ ارزش‌ها و قداست‌ها، تحت هدایت و رهبری ولی امر مسلمین است.

در سیاست داخلی: هدف، توجه به انتخاب رهبر مدیر و مدبر، حفظ و توسعه وحدت ملی و حمایت از جریان‌های سازنده داخلی و مبارزه علیه ظلم و جور و استبداد است. تقویت روحیه تفاهم و انس، مسالمت و همزیستی، سازماندهی نیروها و دعوت به حضور و مشارکت همگان در صحنه‌های حیات سیاسی و اجتماعی جامعه و بسیج توده برای مشارکت در سرنوشت‌سازی سیاسی از دیگر هدف‌هاست. احیای روح تعهد و احساس مسؤولیت در برابر جریان‌ات سیاسی جامعه کمک به حسن

اجرای قانون حق، نظارت بر کیفیت اجرای برنامه‌های سیاسی، و احساس سهیم بودن در رشد یا انحطاط کشور است. تقویت روح انتظار به منظور سازندگی مداوم، تلاش در جهت بهره‌مند ساختن خود و جامعه از آزادی‌های سیاسی و کوشش برای ریشه‌کن‌سازی استضعاف و استکبار و استثمار از دیگر اهداف سیاسی در نظام تربیتی اسلام است.

در سیاست خارجی: داشتن حیات مسالمت‌آمیز با همه کسانی که هم‌جواری ما و خواستار صلح و امنیت‌اند یک اصل است و هدف ما برقراری روابط برادرانه با کشورهای اسلامی، و روابط عادلانه با اهل کتاب و عدم پذیرش سلطه کفر و شرک و الحاد و ولایت غیر مسلمان بر مسلمان است و داشتن تفاهم با همه جوامعی که با ما سر جنگ و نزاع ندارند. حسن هم‌جواری و رابطه مسالمت‌آمیز با دول بیگانه با تکیه به نقاط مشترک فرهنگ و اخلاق، و مبادله اقتصادی براساس حفظ منافع طرفین و مصلحت امت اسلامی هدفی دیگر در تربیت اسلامی است.

مبارزه با تجاوز و استکبار، دشمنی با ظالم، کمک‌رسانی به مظلوم^۱ و حرکت در خط جهاد آزادی‌بخش از دیگر اهداف و مقاصد ما در سیاست خارجی است که آن را در تربیت ملحوظ می‌داریم. رعایت حرمت انسانی و پاسداری از ارزش‌های مورد باور و احترام به عقاید اهل کتاب، و حفظ مرزهای قانونی و شرعی آن‌ها در ازدواج و رفع موانع رشد از آنان و دعوت به رعایت حق و عدل و انصاف از دیگر اهداف تربیتی ما در این زمینه است.

دیگر اهداف سیاسی: از دیگر اهداف سیاسی، پرورش روحیه عدل و قسط اسلامی در جامعه انسانی، پاسداری از قداست‌ها، گسترش روحیه انضباط در زندگی، پرورش روحیه مقاومت در برابر ستمپاشی‌ها و بذرافشانی‌های تبلیغاتی خصم است و نیز پرورش روحیه ستم‌ستیزی، حمایت از حق‌طلبان، دفاع از مستضعفان، نفی ستمگری و ستم‌کنشی، محکوم کردن خط سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، آگاهی از ترفندهای نظام‌های استکباری و مبارزه با آنان و در نهایت حفظ کیان اسلام و کشورهای اسلامی در این عرصه از اهداف مهم تربیت ما به حساب می‌آیند.

۵- اهداف اقتصادی: در این زمینه هدف‌های بسیاری سفارش شده و رعایت می‌شوند که ما ذیلاً به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

در کار و تولید: در این جنبه، هدف توجه دادن به کار و قداست آن است. شناخت نوع کارهای لازم در جامعه پذیرش نوعی از آن و تن دادن به آن و تلاش در جهت کسب معاش حلال است. اصل بر این است که آدمی تن به کار و تلاشی دهد که در سایه آن بتواند استقلال اقتصادی خود را حفظ کرده

و سربار دیگران نشود. هدف تن دادن به کاری مفید و مشروع، بهره‌مندی از مواهب و درآمد آن و سعی در کسب مهارت و ورزیدگی لازم برای آن کار است.

همچنین هدف این است که هرکس به تناسب توان و استعداد خود به پیش‌رود و با داشتن رغبت‌های لازم فنون و مهارت‌های مربوط به آن شغل را به دست آورد. برای کار ارزش و احترام قائل شده و از بیکاری، تن‌پروری و بیهوده‌گذرانی بپرهیزد. توان خود را در جهت آبادی زمین، تبدیل مواد خام به مواد ساخته شده، خدمت‌رسانی به مردم و ایجاد رفاه، و در نهایت رفع نیاز عامه مردم است. و اصل کار مشروع را یک عبادت به حساب آورد.

در طریق مصرف: هدف در جنبه مصرف رعایت احکام اسلام است و در آن پرهیز از اسراف به معنی زیاده‌روی در مصرف و یا استفاده زیادتر از حد نیاز است. پرهیز از تبذیر به معنی ریخت و پاش است. به این معنی که بیش از اندازه نیاز موادی تهیه نکنیم که ناگزیر به دور ریختن آن شویم. و هدف پرهیز از اقتار و خست است یعنی در صورت فراوانی و امکان، زندگی را بر خود سخت نگیریم و در حد بخور و نمیر مصرف نکنیم که اسلام آن را منفور می‌دارد. و هدف پرهیز از اسراف است یعنی خوشگذرانی و عیاشی و از طرق ناروا به دست آوردن و در طریق ناروا مصرف کردن.

هدف در مصرف بر اساس اندیشه اسلامی اقتصاد است یعنی میانه‌روی و رعایت حد اعتدال در مصرف. مثلاً در امر خوردن به گفته سعدی:

نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندان که از ضعف جانت برآید

این امر در زمینه‌های دیگر مثل لباس، تهیه وسایل و ابزار زندگی، حتی در بخشش‌ها و کمک‌رسانی‌ها نیز صادق است.

در پرداخت‌ها: هدف در پرداخت‌ها ادای حقوق اسلامی است مثل پرداخت خمس و زکوة و نیز پرداخت مالیات‌ها و حق و سهم دولت که در راه رشد و اعتلای کشور، انجام خدمات عمومی برای مردم مصرف می‌شود. همچنین پرداخت‌ها برای افراد محروم و سالمند، مستضعف و گرفتار که این امر گاهی در چهره انفاق، صدقات، قرض‌الحسنه و وقف‌ها انجام می‌شود.

در معاملات و مبادلات: هدف در اقتصاد رعایت اصول و موازین اسلامی در معاملات و مبادلات است. پرهیز از ربا، دوری از احتکار و گرانفروشی است. هدف رعایت عدل و انصاف در معامله است، به گونه‌ای که نه ضرر بزند، و نه ضرر ببیند و آدمی در معامله برای مردم همان را بخواهد که برای خود آرزو می‌کند. از فریب و دروغ در معامله‌ها و مبادله‌ها بپرهیزد.

دیگر اهداف: از اهداف دیگر اقتصادی پرورش روح قناعت، ساده‌زیستی و صرفه‌جویی است، طی طریق در عدالت اجتماعی است. گام‌برداری در راه تعاون است، توسعه اندیشه‌های خیرخواهانه

و حتی حرکت در خط مواسات و ایثار است.

هدف ما سعی در آبادانی زمین و استخراج معادن و بهره‌گیری از آن با در نظر داشتن حقوق نسل‌های آینده است. دوری از استثمار و بهره‌کشی‌های ظالمانه در کار، خدمت‌رسانی به محرومان و محتاجان و نیز پرورش روحیه کمک‌رسانی و دستگیری از افتادگان است.

توجه به رشد اقتصادی برای رسیدن به رشد اجتماعی و فرهنگی، کسب مهارت‌های لازم در علوم و فنون برای بالا بردن توان تولید، در عین شناخت مشاغل گوناگون، و ضرورت‌های هر کدام برای جامعه پرورش روحیه حفظ و صیانت از سرمایه‌های عمومی و ثروت کشور از دیگر اهداف اقتصادی در تربیت است. ایجاد رغبت به فعالیت در بخش کشاورزی، صنعت، و خدمات و سعی در خودکفایی کشور نیز یکی دیگر از اهداف تربیت است.

پرهیز از مصرف‌زدگی، زیاده‌روی در تجمل، چشم و هم‌چشمی و رقابت در مصرف، پرهیز از خریدن اشیاء و کالای زاید و بدون مصرف، عدم اصرار در خریدن اشیای گرانبیامت و پرزرق و برق، که کار همان ابزار کم‌قیمت را می‌نمایند یکی از اهداف تربیت اقتصادی است. هم‌چنین است پرهیز از ورود به مشاغل حرام اگرچه پردرآمد باشد، و مشاغلی که خلاف مصالح اجتماعی است اگرچه دارای نام و عنوان باشد. تلاش در عرصه اختراع و ابداع و نوسازی و به‌سازی وسایل و ابزار کار برای بالا بردن سطح تولید و بهینه‌سازی محصول، و محکم‌کاری در تولید و سازندگی و دوری از خیانت در تولید از دیگر اهداف تربیتی اسلام است.

۶- هدف‌های دینی و اعتقادی: از اهداف مهم تربیت در اسلام، تربیت دینی و اعتقادی است که اهمیت آن در رأس دیگر مسائل است. این که ما آن را در آخرین بخش این اهداف ذکر کردیم بدان خاطر بود که می‌خواستیم نخست مقاصد و اهداف خود را در تربیت مشخص کنیم و آنگاه خطوط دینی را که باید بر همه آن موارد حاکم باشد، عرضه بداریم. در اهداف دینی و اعتقادی ما به مسائل و جنبه‌های زیر اتکا داریم:

الف - در عرصه آگاهی: بخشی از اهداف ما در عرصه دین و مذهب عبارت است از آگاهی دینی. آگاهی و معرفت، ریشه و منشأ همه فضایل و رشدهاست. دامنه آگاهی دینی وسیع و شامل این اهداف است:

- آگاهی و معرفت نسبت به اصول دینی و اعتقادی شامل آگاهی نسبت به:

- خدا و صفات جلال و جمال او، خلق و قدرت او، مدیریت و کارگردانی او، دانایی، شنوایی،

اراده او، توحید در خلق و امر، مشیت خدا، قضا و قدر او و ...

- عدل خدا، و قسط او، و آگاهی از جبر و اختیار، آزادی انسان در تصمیم‌گیری و عمل.

— نبوت و ارسال رسل، عصمت آنها، رسالت آنها، صفات و عمل آنها، نبوت عامه و خاصه.
— امامت و رهبری، مسأله جانشینی و وصایت، امامت عامه و خاصه، ولایت در عصر حضور و غیبت.

— معاد و رستاخیز، دنیای برزخ، مسأله حشر و نشر، مسأله حساب و میزان، بهشت و دوزخ

و ...

آگاهی و معرفت نسبت به احکام و تعالیم دینی شامل :

— عبادات چون نماز، روزه، حج، جهاد، خمس و زکوة، تولی و تبری و مسائل مربوط به

آنها ...

— احکام مربوط به حلال و حرام، واجب و مستحب، مکروه و مباح و کیفیت رعایت آنها ...

— حدود و دیات، مرزهای کیفر و عقوبت افراد، و نیز در مواردی پاداش و برائت و ...

— مسائل مربوط به روابط و برخوردها، کیفیت زندگی، مواضع در برابر امور و جریانات ...

آگاهی و معرفت نسبت به زندگی و مسائل آن شامل :

— کیفیت زیستن و در مرز شرع زیستن و رعایت قواعد و ضوابط دین در همه امور ...

— هدفداری در زندگی و شناخت آن اهداف و احساس وظیفه و مسؤولیت در برابر آن ...

— شناخت راه و رسم‌ها و آداب، که تحت عنوان آداب الهی در اسلام مطرح است ...

— و بالاخره شناخت قرآن و معارف آن، سنت پیامبر و مشی حضرات معصومان(ع) در زندگی

و اتخاذ مواضع در شرایط و موقعیت‌های گوناگون در عین پای‌بندی به قرآن و سنت.

ب — در عرصه ایمان: بخشی از اهداف تربیت متوجه ایجاد ایمان مذهبی است و در این راه

هدف القاء ایمان و باور راستین در اذهان از طریق نشان‌ها یا آیات و آثار الهی است. ایمان به خدا و

قدرت او، ایمان به امر و اراده او، ایمان به یکتایی او، ایمان به حقانیت پیامبران و ارسال رسل، ایمان

به معاد و رستاخیز و روز حساب و ...

هدف ایجاد بینش نسبت به دین است که حاصل آن باوری واقعی و حقیقی باشد. داشتن دانایی

عمیق در دین با بصیرت است آن چنان بصیرتی که برای آدمی باور ایجاد کند. مثل ایمان به سوزاندگی

آتش و یا توان آب در سرد کردن آتش. و این باور غیر از باوری است که سرسری بر زبان ما جاری

می‌شود. تماشای آیات و پدیده‌ها، سیر و سیاحت در زمین، تعمق در آثار آفرینش، همراه با زمینه‌های

فطری در درون موجد چنان ایمانی است و آن ایمان چراغ راه و نشان‌دهنده خط و سببی برای کار

و تلاش و حرکت است.

ج — در عرصه عمل: هدف در این عرصه عمل دینی است. واداشتن به تکرار و عمل مذهبی

است و این عمل براساس دستورات قرآن کریم و سنت پیامبر و شیوه کار حضرات معصومین(ع) است. هدف در عمل داشتن اخلاص است. همراه کردن اخلاص با آگاهی و معرفت دینی است. درنظر داشتن حاکمیت مطلق خدا بر خود و ناظر دانستن او بر همه اعمال و رفتارماست.

هدف داشتن روح تعبد و بندگی خداوند و التزام عملی به احکام و آداب اسلامی است. تطبیق دادن عملکردهای خود با اعمال و کردار حضرات معصومین(ع) است، تقویت روحیه تولی و تبری در روابط براساس قواعد مذهب و اعتقادات است. هدف رعایت ارزش‌ها و آداب اسلامی در جریان زندگی حفظ و رعایت خطوط کلی فرهنگ اسلامی و آشنایی عملی با مسائل اسلامی است.

د- دیگر اهداف: از دیگر اهداف دینی و مذهبی عبارتند از:

ایجاد رابطه مطلوب با مبدأ آفرینش، هدایت خواهی و استمداد از او، ارتباط با او براساس اصل خشوع و خضوع، ستایش و نیایش، شکرگزاری از نعمت‌های او، همگامی و هماهنگی با سنن و نظامات او، التزام به اوامر و فرامین او، یاد و ذکر او در همه احوال، انس با خدا، هدایت‌طلبی از او، راز گفتن با او، ذکر و مناجات او و ...

هدف تفکر و تدبّر درباره آفرینش، سیر درپدیده‌ها، پی‌بردن به قدرت خدا، داشتن خوف و خشیت نسبت به او، احساس مسؤولیت نسبت به امر و فرمان او، توکل و اعتماد به مددسانی و خیرخواهی اوست. احترام به انبیاء و خلفای آنها، رعایت ارزش‌ها و مقدسات و نفوذ دادن معنویت در تمام شئون و امور زندگی از دیگر اهداف تربیت اسلامی است.

شرایط و خصایص اهداف

در تعیین اهداف برای تربیت باید خصایص و شرایطی را درنظر داشته باشیم. از جمله آن شرایط عبارت‌است از درنظر داشتن:

- شرایط مذهبی جامعه به‌ویژه از آن جهت که در یک جامعه مذهبی، دین نقشی مهم و اساسی در سرنوشت‌سازی در زندگی مردم دارد.

- شرایط سیاسی جامعه از نظر نوع حکومت و کیفیت کارگردانی که معمولاً اگر جامعه‌ای دینی باشد این امر در تربیت جامعه هم نقش دارد.

- شرایط اقتصادی جامعه که فقر و غنا، خط فکری مردم در مصرف دارای نقشی مهم در اجرای اهداف و به‌کارگیری راه و روش‌های اخلاقی و تربیتی است.

- شرایط فرهنگی جامعه و طرز فکر افراد، و آداب و سنن و ارزش‌ها، به‌ویژه از آن بابت که دریابیم آن فرهنگ دارای چه نقاط اشتراکی با مذهب است و تا چه حد خالص و یا ناخالص است.

شرایط اجتماعی جامعه از نظر دید و بینش نسبت به خانواده، حقوق، اخلاق، روابط، نظارت‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر، و نیز شرایط تاریخی جامعه و خواسته‌های مشروع مردم. اما در جنبه خصایص اهداف تربیت باید بگوییم که اهداف تربیت باید صریح، قابل فهم و قابل درک برای معلم و شاگرد باشد. اهداف باید به تناسب نیازها و مقتضیات قابل انعطاف باشد و با تحولات جامعه، و شرایط ویژه‌ای که برای مملکت پیش می‌آید مثل جنگ، قحطی، ویرانی و... قابل دگرگونی باشد. هم‌چنین در سایه شرایط علمی و پیشرفت و تحقیقات خود را سازگار نماید. به عبارت دیگر، اهداف تربیت باید پویا، متحرک، پیشرو و مترقی باشد. شرایط روز جامعه و جوی که در جهان و جامعه از نظر توسعه علم و فلسفه است در آن مورد نظر قرار گیرد. و در نهایت اهداف باید عملی و قابل پیاده کردن باشد. و ارزش و نفوذ اهداف به گونه‌ای باشند که فکرها را عوض کنند، عادات و تمایلات را تغییر دهند و شرایط و موجبات عملی آن به گونه‌ای باشند که افراد را از شرایط موجود به وضع و شرایط مطلوب بکشانند.

نوع هدف‌ها: نوع اهداف تربیت از جهات مختلفی قابل مطالعه و دسته‌بندی هستند. ما در این بحث به مواردی از آنها ذیلاً اشاره می‌کنیم: اهداف ممکن است:

– مسلم و قطعی و تغییرناپذیر باشند مثل هدف‌های مربوط به حلال و حرام که تا قیام قیامت ثابتند.

– تغییرپذیر و قابل دگرگونی باشند مثل کیفیت زندگی، خوراک، لباس، فرم کار و تلاش مردم.

– عمومی باشد یعنی اهداف برای همه افراد جامعه باشد مثل وجوب دانش‌آموزی، تابعیت

قانون و

– خاص باشد یعنی گروهی ویژه از آن بهره‌گیرند مثل اهداف در تربیت عقب‌ماندگان ذهنی،

تیزهوشان و

– فردی باشد مثل اهداف در رابطه با رشد و تقویت جسم و ذهن و روان و عاطفه و

– جمعی باشد یعنی در رابطه با روابط و ارتباطات اجتماعی باشد مثل اهداف خانوادگی و

اخلاقی.

– در سطح ملی باشد یعنی برای همه افراد کشور بهتر شود مثل وحدت ملی و همبستگی ملی

و

– در سطح منطقه باشد یعنی اهداف تربیت برای یک استان و منطقه خاص مثلاً کشاورزی یا

صنعتی باشند.

منابع اهداف: در این که اهداف تربیت را از کجا باید استخراج کرد، نظرات دانشمندان در

جوامع مختلف متفاوت است. اما در اسلام و در جامعه‌ای چون کشور اسلامی ما اهداف تربیت از این منابع استخراج می‌شوند:

— قرآن یعنی همین کتاب آسمانی که در دست ماست و خداوند آن را به عنوان دستورالعمل زندگی ما، توسط پیامبر خود، حضرت محمد(ص) نازل کرده و دارای ۱۱۴ سوره و ۶۳۴۲ آیه است و در طول مدت ۲۳ سال برای مردم خوانده شد.

— سنت که عبارت است از قول، فعل و تقریر^۱ پیامبر و حضرات معصومین(ع) که برای ما در عرصه زندگی دینی سند است.

— اجماع که عبارت است از رأی و نظر و نیز عمل آگاهان به مسائل اسلام و پاکان و نیکان امت اسلامی در طول تاریخ حیات اسلام.

— عقل و خرد عالمان و صاحب‌نظران بر مبنای درک و برداشت از حقایق دین و زندگی، با شرط عدم اصطکاک و مخالفت آن با قرآن و سنت.

— فطرت که دارای زمینه‌ای درونی در همه انسان‌هاست و در همه نقاط جهان برای همه افراد واحد است و مبنای فطری بر صداقت، حقیقت‌جویی، رشد و تعالی آدمی است و ...

— تاریخ و دستاوردهای تاریخی که حاصل بررسی‌های محققان است و رمز‌رشد‌ها و انحطاط ملت‌ها در آن معین و برای مردم امروز درس است.

— تجارب روزمره عالمان، مدیران و صاحب‌نظران کشور که در خط صداقت و پاکی و انس و خیرخواهی برای ملت و کشورند و ...

— ...

پرسش‌ها

- ۱- در کسب آگاهی سیاسی ما را چه هدفی است؟ بیان کنید.
- ۲- هدف در جنبه قانون و استقلال چیست؟ شرح دهید.
- ۳- ما در پاسداری از مرزها اهدافی داریم، شرح دهید.
- ۴- هدف ما در سیاست داخلی چیست؟ بیان کنید.
- ۵- هدف ما در سیاست خارجی چیست؟ توضیح دهید.
- ۶- هدف از کار و تولید را بیان کنید.

۱- تقریر عملی است که در حضور معصوم انجام شده و مورد تأیید و رضای آنها بوده است.

- ۷- در طریق مصرف چه اهدافی را باید رعایت کرد؟ بیان کنید.
- ۸- در پرداخت‌ها و معامله و مبادله چه هدفی داریم؟ شرح دهید.
- ۹- هدف در آگاهی دینی چیست؟ شرح دهید.
- ۱۰- هدف ما در عرصه ایمان را توضیح دهید.
- ۱۱- در عرصه عمل دینی هدف ما کدام است؟ بیان کنید.
- ۱۲- برای اهداف چه شرایط و خصایصی است؟ بیان کنید.
- ۱۳- نوع هدف‌ها کدامند؟ بیان کنید.
- ۱۴- منابع اهداف در اسلام کدامند؟ بیان کنید.